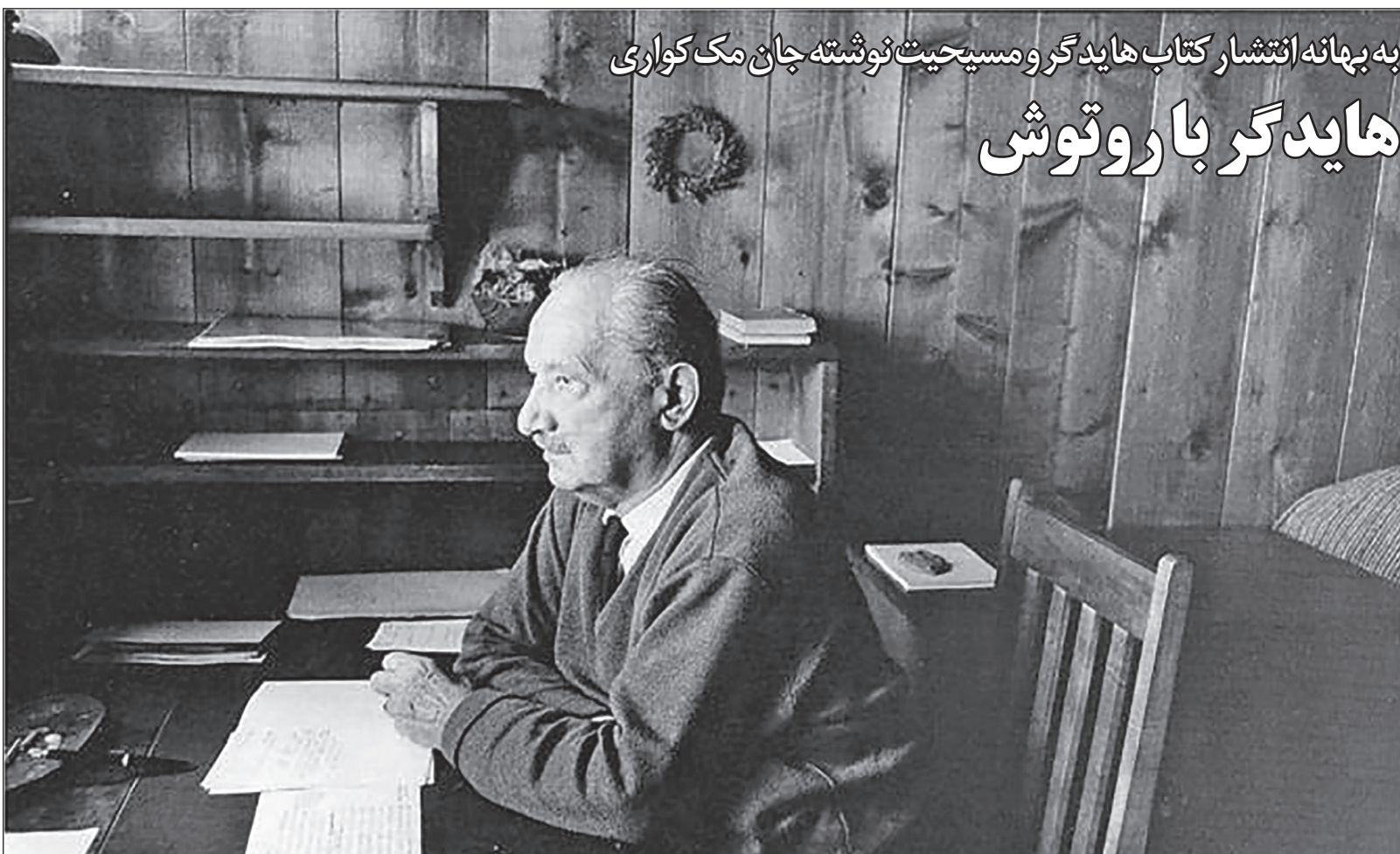


به بهانه انتشار کتاب هایدگر و مسیحیت نوشته جان مک کواری

هایدگر باروتوش



محسن آزموده

کتاب هایدگر و مسیحیت، نوشته جان مک کواری، مروری مختصر اما بسیار درخشان و مفید بر زندگی و اندیشه‌های یکی از بحث‌برانگیزترین اندیشمندان معاصر است که از فضای روزگار در ایران بسیار حرف و حدیث‌ها را برانگیخته است؛ تا جایی که در دوره‌هایی عنوان «هایدگری»، صفت گروهی پر طرفدار و سفت و سخت‌از روشنفکران ایرانی تلقی می‌شد که به حق یا ناحق خود را مدعی اندیشه‌های این فیلسوف آلمانی معرفی می‌کردند و از این موضع، مخالفان ششان را به انحاء گوناگون مورد «عنایت» قرار می‌دادند. برای این اقبال کمالیافته به یک فیلسوف غربی از سوی اهل فرهنگ و سیاست ایرانی نیز دلایل متعددی می‌توان بر شمرده؛ شخصیت فرهمند و تاثیرگذار احمد فرید، اندیشمند «شفاهی» که بر طیف وسیعی از متعاطیان فرهنگ و اندیشه در ایران، امع از فلسفه‌خوان و هنرمند و سینماگر و روزنامه‌نگار و شاعر و ادیب و روشنفکر و جامعه‌شناس، اثر گذاشت. فرید «کاشف» ایرانی هایدگر بود و چنان پرشور و هیجان از او سخن می‌گفت که در محضرش کسی را یاری نام بردن از هایدگر نبود. گویی سخن گفتن از هایدگر در انحصار بود و اگر کسی جسارت می‌ورزید و از فیلسوف

آلمانی سخن می‌گفت، به شیوه‌های مختلف از سوی فرید و شاگردانش، ناواخته می‌شد. با مسامحه می‌توان گفت، تجددستیزی بودن و به بیان دقیق‌تر نقادی بنیان‌کنر هایدگر از غرب (جندید و قدیم، دیروز و امروز و تفکر غربی (فلسفه و متافیزیک) از عصر یونان تا نیچه، دیگر علت اقبال به او از سوی منتقدان جدد در ایران است. تفکر شاعرانه و عرفانی (mystical) یا شبه‌عرفانی (pseudomystical) اندیشه هایدگر به ویژه در دوره موسوم به دوم فکری او، قطعاً علت دیگر هم‌دلی ایرانیان اهل شعر و عرفان به اوست، اما همه این علل و دلایل نباید ما را از یک نکته مهم غافل سازد: مارتین هایدگر، بدون شک و تردید، یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان در سراسر دوران تاریخ فلسفه غرب، و مهم‌ترین و موثرترین فیلسوف سده بیستم در حوزه فلسفه قاره‌ای است که نه فقط بر فیلسوفان، بلکه بر جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، روان‌شناسان، زبان‌شناسان، منتقدان ادبی، اهالی سینما و تئاتر، شاعران، منتقدان دینی، نویسندگان و حتی معماران و نقاشان و اهالی موسیقی، پس از خود تاثیر گذاشته است. در جامعه ما و حتی در چارچوب منازعه مشهور «هایدگری‌ها-پوپری‌ها» نیز این تاثیرگذاری محسوس است. عبدالکریم رشور، روشنفکر دینی

سرشناس و سرسلسله‌دار روشنفکران «پوپری» در درسگفتارهای اخیرش بارها به بزرگی و اهمیت مارتین هایدگر -یا وجود تعریف‌هایی که به او دارد- تاکید کرده است. بابک احمدی روشنفکر چپ‌گرا آثار مهم و زیادی درباره هایدگر نوشته است. علاقه‌مندان به مکتب فرانکفورت و جریان‌های جدید چپ، بارها به هایدگر پرداخته‌اند، اگر چه با گرایش‌های سیاسی او و تبعات سیاسی فکرش به شدت مخالفاند. بی‌دلیل نیست که مهم‌ترین آثار هایدگر چون «هستی و زمان»، با وجود دشواری و بیچیدگی، چندین بار به فارسی ترجمه شده است و هر سال نیز در میان آنبوه آثار فلسفی که به زبان فارسی ترجمه و تالیف می‌شود، قطعاً به عناوینی از هایدگر یا درباره او بر می‌خوریم. در کمتر از سه ماه گذشته از آغاز سال ۱۳۹۷، دسته کم دو کتاب از هایدگر و یکی درباره او به فارسی منتشر شده است: در آمد به متافیزیک (با ترجمه اشاعه‌الله رحمتی)، اصل بنیاد (با ترجمه طالب جابری) و کتاب حاضر یعنی هایدگر و مسیحیت نوشته جان مک کواری با ترجمه شهاب‌الدین عباسی. اما چرا کتاب مک کواری را «مختصر اما بسیار درخشان و مفید» خواندیم؟ بدون تردید، پیگیران هایدگر به فارسی با نام نویسنده این کتاب آشنا هستند، زیرا قبلاً آثار خواندنی و مفید دیگری از او به

فارسی مثل دو کتاب «ماترین هایدگر» و «فلسفه وجودی» (با ترجمه محمد سعید حناهی کاشانی)، «الهیات اگزیستانسیالیستی» (مقایسه هایدگر و بولتمان با ترجمه مهدی دشت‌بزرگی) و «تفکر دینی در قرن بیستم» (با ترجمه بهزاد سالکی) دیده‌اند. پروفیسور جان مک کواری (۲۰۰۷-۱۹۱۹) الهیات‌دان و فیلسوف اسکاتلندی، به همراه ادوارد رابینسون مترجم انگلیسی مهم‌ترین کتاب هایدگر یعنی «هستی و زمان» نیز هست، ترجمه‌ای که مورد قدرانی و تشکر خود هایدگر نیز بود. مهم‌ترین ویژگی کتاب‌های مک کواری در شرح و بسط اندیشه دشوار و پیچ در پیچ هایدگر، دقت و رعایت امانت در عین روانی و سادگی است. کوشش در بی‌طرفی دانشگاهی و در عین حال نادیده‌نگرفتن وجوه تاریک و پرسش‌برانگیز تفکر هایدگر، به خصوص در مساله رابطه او و اندیشه‌اش با نازی‌ها، دیگر ویژگی‌های مهم کتاب مک کواری است. سخنرانی‌های مک کواری در سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۳ در دانشگاه آکسفورد به دعوت گروه الهیات این دانشگاه است. بنا به یاد در این سخنرانی‌ها چنان که مک کواری در پیش‌گفتار متذکر شده، به وصیت اسقف هنسون، بانی آنجا، «به تاریخ به

مثابه بخشی سازنده در مدافعه‌گری مسیحی» توجه شود؛ به همین دلیل، مک کواری در بحث از هایدگر و نسبت او با مسیحیت، مساله زمان را برجسته کرده است. به تعبیر دقیق‌تر او به بهانه پرداختن به مساله زمان، به عنوان موضوعی که در روزگار ما به طور خاص اهمیت یافته، به تشریح اندیشه هایدگر می‌پردازد، متفکری که به طور قطع و یقین، بزرگ‌ترین فیلسوف اروپایی مساله زمان است. البته شکی نیست که آن طور که مک کواری در شرح موجز و آشکار خود تاکید می‌کند، کلیدی‌ترین مساله‌ای که همواره فکر هایدگر را در سراسر عمر (۱۹۷۶-۱۸۸۹) به خود مشغول کرده بود، مساله وجود (یا هستی) بود. بر این اساس تقسیم‌بندی هایدگر به دو دوره یا تفکیک مشهور «هایدگر اول» از «هایدگر دوم» چندان دقیق به نظر نمی‌رسد. اما باز همانطور که مک کواری استاده و خلاصه بیان می‌کند، می‌توان برخی تغییرها و جابه‌جایی‌ها در مقایسه آثار هایدگر قبل از «هستی و زمان» (۱۹۲۷) و بعد از آن یافت. هایدگر در «هستی و زمان»، عمدتاً به نوع خاص وجود انسان (دازاین) می‌پردازد، اما پس از آن وجود یا هستی را در معنای عام در نظر می‌گیرد، در دوره اول روش پدیدارشناسختی او آشکار است، اما زبانش او در دوره دوم به بیان شاعران و عارفان نزدیک می‌شود، «در کارهای اولیه، تفکر فیلسوف جست‌وجوگرانه و فعال است. در آثار بعدی تفکر تامل‌گرا و حتی منفعل می‌شود». همچنین در تفکر اولیه هایدگر جهان، دستگاهی ایزاری است که انسان (دازاین) در آن هست و با اجزای آن مناسباتی کارکردگرایانه دارد، اما جهان در اندیشه بعدی از هایدگر، «چارگانه‌ای متشکل از آسمان، زمین، خدایان و میران است.

به همین قیاس می‌توان درک هایدگر از زمان را نیز صورت‌بندی کرد. به طور کلی، زمان برای هایدگر، افق آشکاری هستی یا وجود است. در «هستی و زمان»، شاخص‌ترین اثر هایدگر در دوره نخست فکرش، این آشکارگی هستی، به واسطه انسان (دازاین) و به دلیل مختصات اگزیستانسیالی (وجودی) او امکان‌پذیر می‌شود. در این دوره، این انسان است که با قابلیت زبان، هستی یا وجود را در بطن زمان آشکار می‌کند. به عبارت دیگر زمان در «هستی و زمان» به منزله حالات وجودی انسان (دازاین) در وضعیت «بر-جهان بودن» او یا اشتغال او با جهان، خودنمایی می‌کند. اما در هایدگر دوم، این مدخلیت انسانی کم می‌شود و به جای تاکید بر انسان (دازاین) برای راه‌بردن به مساله هستی و وجود، مستقیماً متوجه خود هستی یا وجود می‌شویم. بنابراین در این دوره، زمان، سلسله‌اداری است که در آن هستی یا وجود، خودش را آشکار می‌سازد و با هر شکلی از آشکارگی یا بیرون آمدن از مستوری، تقدیر یا سرنوشت خاصی را برای عالم و آدم رقم می‌زند.

هر دوی این تعبیر از زمان (که در بنیاد یکی هستند)، بسیار به کار خوانشی دینی و مسیحی از هستی و عالم می‌آیند. بی‌دلیل نیست که متالمان

و نوری بر تاریکی‌های وجود انسان و جهان می‌تاباند.

● هایدگر و مسیحیت
● جان مک کواری
● شهاب‌الدین عباسی
● نشر پارسه
● ۷۰۰ صفحه
● ۲۰۰ صفحه
● ۲۵ هزار تومان

نگاهی به آخرین رمان انوراد روی

عواقب در دناک انتخاب‌های شور انگیز



۳۲ کیلومتری ته‌های هیمالیا واقع شده. پس از رفتن مادرش، میشکین زندگی‌اش را به انتظاری خشم‌آلود می‌گذراند چرا که چشم به راه نامه‌های او یا بازگشتش است. سال‌ها بعد این انتظار را با وقتی که «خون ذره ذره از بدن جاری می‌شود و روزی می‌رسد که جانی در بدن نداریم» مقایسه می‌کند. میشکین پیر، مردی که شصت و چند ساله است، داستان را روایت می‌کند. او نسخه بزرگسال پسرکی است که خوش خشنکیده است و حالا زندگی آرامی دارد و بیشتر وقتش را در میان درختان و آدم‌ها می‌گذراند. در مقطعی از این زندگی که عامدانه به تنهایی گذشته، پاکتی حجیم از راه می‌رسد. می‌داند از طرف مادرش است و نمی‌داند آن را باز کند یا دور بیندازد. در عوض روایت او ما را به کودکی مادرش، «گیتاری»، می‌برد و سپس به کودکی خودش. او به دنبال درک انتخاب مادرش است و برای این منظور آزادی غیر معمول مادرش در نوجوانی را می‌کاود. مادرش هنرمند و اجراگر بود و با مریدی ازدواج کرد که می‌دید به خصوص زمانی که آن را با مسائل مهم تاریخی مقایسه می‌کرد. پدرش فعالی سیاسی و عضو سازمان ضد استعماری «اچمن میهن‌دوستان هند» بود. در همین حین است که والتر اسپایز، نقاش و مجسمه‌ساز آلمانی وارد زندگی مادرش می‌شود و گزینه‌هایی را پیش روی او می‌گذارد. میشکین به هنر و زندگی «گیتاری» از منظر زندگی ناشومی والدینش نگاه می‌کند اما همه

زمان «زندگی‌هایی که هرگز نداشته‌ایم» نوشته انوراد روی، نویسنده و روزنامه‌نگار هندی، داستانی با صدای رسا است. داستان با رویدادهای بزرگ همراه است: مبارزه برای استقلال هند و جنگ جهانی دوم. شخصیت‌های تاریخی اغلب برای نمایشی کردن داستان وارد زندگی شخصیت‌های خیالی می‌شوند. در دل داستان جوانکی را می‌بینیم که مادرش ترکش کرده تا در کشوری دیگر زندگی کند و پدرش در واکنش به این بحران مدت‌های مدید پسرش را رها کرده. پدر هم بعدها براسی فعالیت‌های ضد دولت بریتانیا دستگیر و زندانی می‌شود. اما نویسنده دلایل بسیاری برای گذر از این لحظات در دناک به ما می‌دهد. خوانندگان انوراد روی که رمان پیشینش «خواب روی سیاره مشتتری» به فهرست نامزدهای اولیه جایزه من بوکر ۲۰۱۵ راه یافت، می‌دانند سبک او داد و فریاد یا نمایش‌های توخالی نیست. او قلمی ظریف و هوشمند دارد و می‌فهمد قدرت احساسی برآمد از پیشروی همگام با جزئیات است. او در میان بحبوحه رویدادها و آموشدن شخصیت‌های تاریخی، راوی‌اش را باغبانی به نام «میشکین» برمی‌گزیند: «مردی که قلم و شمشیر را انتخاب نکرده و سراغ بیلبچه رفته است.»

وقتی میشکین ۹ سال داشت مادرش ترکش کرد تا زندگی جدیدی را در کشوری دیگر آغاز کند و پدرش در شهر خیالی «منتظر» به سر می‌برد. منتظر در

نگاهی متفاوت و بدیع درباره رباعیات ایرج زبردست

چیزی بود که می‌خواستم درباره رباعیات ایرج زبردست ارایه‌بدهم. چندرابعی از ایرج زبردست

شبه، از نفس سرد زمان می‌خواند / از روح مه آلود جهان می‌خواند / بر سر در هر خانه سری آویزان / شهری که در آن مرگ آنان می‌خواند

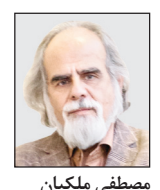
از سقف اتاق، سایه‌هایی وارون / هر سایه بریده سر، سراپا / در خون / جیغ شب و... / جیغ سایه‌ها... / جیغ جهان... / هر سایه پرید از تن من بیرون

بی‌واژه، کسی درون ما می‌میرد / بی‌واژه، جهان در انزوا می‌میرد / هر واژه هواس / شاعر احساس خداست

گویی که هزار سال در پشت درند / هم باخبر از همنند و هم بی‌خبرند / خورشید، سیاه / آسمان، زخمی و سرخ / این قوم همگه نوکن بیکدگردند

آن سایه، تمام کپکشان‌ها را خورد / هر کوه، به زیر پای او سنگی خرد / یک سایه سرشش در ازل و پا به قدم / آن سایه کشان کشان مرا با خود برد

شاید که زمان توهم دانش ماست / افسانه هست و نیست، از ریشه خطاست / شاید سفری ست عمر، از هیچ به هیچ / شاید که کسی نیست، همان نیست خداست / رباعیات برگرفته از مجموعه رباعی «شهری که در آن مرگ از آن می‌خواند» نشر چشمه چاپ دوم



مصطفی ملکیان

نگاهی مجدد به جایگاه شوراها

شوراها غلبه جامعه بر دولت است و غلبه ابزار گرایانه، غلبه دولت بر جامعه خواهد بود. از منظر دیگری نیز می‌توان به تبیین جایگاه شوراها پرداخت. مدیریت شهری برحسب نسبیتی که با دو معیار «وظایف دولت» و «میزان مشارکت شهروندان» برقرار می‌کند به دو گونه «دیوانی» و «مشارکتی» قابل تعریف است. بدین معنی که اگر مدیریت، مرکب از سه عنصر تقسیم‌گیری، برنامه‌ریزی اجرا باشد الگوی مدیریت شهری دیوانی در قالب رویه‌های دیوان سالارانه متمرکز است و مدیریت شهری در دولت مرکزی، پیگیر شکل‌گیری شوراها مردمی و نهادهای نامتمرکز و محلی انجام می‌شود.

نگاهی مجدد به جایگاه شوراها

امور عمومی جامعه را انجام دهند. بنابراین تعامل چهارپایه که برشمرده شد به جای آنکه عمودی تغییرات پرشتاب داخلی و خارجی است و نهادهای محلی در کنار دولت با شراکت و همکاری یکدیگر به حل مسائل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی می‌پردازند. در این مدل تأمین عمده کالاها و خدمات عمومی برعهده مدیریت شهری است. تاکید اساسی مدل حکمرانی در شراکت است. شراکت به این معنا که هر یک از شرکا باید منابعی را برای تحقق هدف مشترک خود؛ آورده و مصرف کنند و دولت، نهادهای عمومی محلی، جامعه مدنی بخش خصوصی با شراکت یکدیگر، مدیریت

ادامه از صفحه اول

اختیارات دولت به مدیریت شهری می‌شود که دولت با محدودیت‌های مالی یا بحران‌های سیاسی و اجتماعی مواجه باشد. مدیریت شهری در این مدل؛ بازوی کمکی دولت محسوب می‌شود و شریک دولت در مدیریت امور عمومی نیست. حتی همین شکل ارتباط نیز تا زمانی پایدار است که پاسخگوی نیازهای دولت باشد و هر زمان که شرایط محدودکننده قدرت دولت مانند محدودیت‌های مالی، فشارهای خارجی یا اعتراضات اجتماعی از میان روند، این نهاد به عنوان عنصر مزاحم دولت با محدودیت مواجه می‌شود. در مقابل ویژگی‌های نوع مدل حکمرانی به شرح زیر است: نظام حکومتی از نوع نامتمرکز بوده و دولت در این مدل؛ بسیار کوچک است و وظایف و اختیارات